

کتابخانه‌ها: باوری در مبارزه با بیسوادی در کشورهای صحرای سفلی در آفریقا^۱

ترجمه علیرضا بهمن آبادی^۲

نوشته کاسی. ای کیدم^۳

چکیده: بیسوادی مشکلی است جهانی، لیکن در بعضی از کشورهای آفریقای جنوبی به ۹۰ درصد، یا بیشتر، می‌رسد که حاصل علل اجتماعی-تاریخی، اقتصادی و سیاسی است. کتابخانه‌های عمومی می‌توانند در مبارزه با بیسوادی نقش مهمی داشته باشند. مسأله‌ها در شرایط کنونی کتابخانه‌های عمومی در کشورهای آفریقای جنوبی حتی در شهرها، تأثیر مفیدی بر روی جمعیت نداشته است. یکی از علل شرایط و وضعیت بد نشر در این کشورهاست. نویسنده دو پیشنهاد برای ایجاد مؤسسات انتشاراتی برای تولید مواد خواندنی مناسب و ارزان و تأسیس کتابخانه‌های سوادآموزان بزرگسال را ارائه می‌دهد. سپس چند تجربه خاص را در چند کشور آفریقای جنوبی معرفی می‌کند. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در این جا کلمات کلیدی، «کتابخانه‌ها»، «بیسوادگی» و «صحرای سفلی» که در عنوان مقاله آمده، اصطلاحاتی کلی هستند، بنابراین اولین وظیفه من در ارائه این مقاله مشخص کردن دامنه و زمینه استفاده از آن کلمات است. منظور از کلمه «کتابخانه»، کتابخانه‌های عمومی است که دسترسی آسان و

1. Kosi A. Kedem. "Libraries as Partners in the Fight to Eradicate Illiteracy in Sub-Saharan Africa." *IFLA Journal*. Vol.16, No.4 (1990), pp. 447-457.

۲. دانشجوی فوق لیسانس کتابداری در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شمال تهران.

۳. کتابدار دانشگاه غنا

رایگان به آنها برای عموم مردم امکانپذیر است و در بیشتر اوقات بودجه‌اش را دولت مرکزی یا محلی بر عهده دارد و بعضی از کتابداران از آنها به عنوان

«دانشگاه مردم» یاد می‌کنند. اصطلاح «بیسوادی»^۴ به ناتوانی خواندن، نوشتن و انجام اعمال ساده با اعداد اطلاق می‌شود. به ناچار اصطلاحات «باسواد»^۵ و «آموزش بزرگسال»^۶ در این مقاله به کار گرفته شده است در اینجا آموزش بزرگسال ناظر به مفهوم آموزش بنیانی بزرگسال است یعنی چیزی که می‌توان علاوه بر توانایی خواندن و نوشتن و حساب کردن صرف، به معنای «سواد آموزی تابعی»^۷ نیز در نظر گرفته شود. سواد آموزی تابعی، در این مفهوم به معنای سواد آموزی است که «دسترسی سریع به هدف را از طریق تلفیق آموزش خواندن با آموزش مهارت‌های دیگر در یک برنامه مرتبط با اجتماع مورد نظر در محیط مورد نظر و با برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی مورد نظر» میسر سازد. (۱)

این مقاله عمدتاً به سواد آموزی بزرگسالان محدود می‌شود - که جمعیت ۱۵ سال و ۱۵ سال به بالا را دربرمی‌گیرد و چیزی که بطور عمده از طریق برنامه‌های آموزش غیر رسمی فراهم می‌شود. اصطلاح «صحرای سفلی» برای اشاره به آن قسمتی از آفریقا است که در برگیرنده کلیه کشورهای آفریقایی به جز کشورهای عربی شمال آفریقا و جمهوری نژادپرست آفریقای جنوبی است. این منطقه را «آفریقای سیاه» یا «آفریقای جنوب صحرا»^۸ نیز می‌نامند.

4. Illiteracy

5. Literacy

6. Adult Education

7. Functional Literacy

8. Africa-South of the Sahara

جهانی بودن بیسوادی

ذکر این نکته لازم است که شکل بیسوادی خاص آفریقا نیست، بلکه مشکلی است جهانی و حتی اروپا و آمریکا نیز از این بلا رهایی نیافتانند. در ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۹، نشریه نیوزویک در مقاله‌ای تحت عنوان «وقتی اروپاییها

نمی‌توانند بخوانند»، نوشت که «۱۶ میلیون اروپایی بیسواد هستند». در پرتغال ۲۰ درصد از جمعیت ۱۵ ساله به بالا بیسوادند. در میان زنان روستایی یونان این رقم گاهی اوقات بیش از ۴۵ درصد است. به منظور حل این مشکل، کمیسیون اروپایی قصد دارد سال ۱۹۹۰ را به نام «کتاب اروپایی و سال خواندن»، اعلام کند.

در ایالات متحده نیم درصد از جمعیت ۱۵ سال و ۱۵ سال به بالا بیسواد هستند. اما وضعیت در آفریقا به گونه‌ای دیگر و کاملاً بدتر است.

جهانی بودن این مشکل یونسکو را بر آن داشته تا سال ۱۹۹۰ را «سال جهانی سواد» اعلام نماید. با توجه به اقبال کشورهای دنیا، یونسکو با همکاری یونسف، و بانک جهانی، اقدام به برگزاری کنفرانس آموزش بین‌المللی در مارس ۱۹۹۰ در جامنین تایلند کرد.

وضعیت بیسوادی بزرگسالان در صحرای سفلی

بیسوادگی در آفریقا یک مشکل جدی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است. یونسکو می‌گوید: ۵۴ درصد (بطور متوسط) از آفریقاییها نمی‌توانند بخوانند و بنویسند. این رقم برای بعضی از کشورهای آفریقایی به ۹۰ درصد یا بیشتر می‌رسد. با مقایسه آفریقا و دیگر کشورهای رو به رشد، این گفته بهتر تأیید می‌شود.

جدول ۱ - جمعیت بیسواد پانزده سال و پانزده سال به بالا

منطقه	سال سرشماری	جمعیت کل	درصد بیسوادان	درصد بیسوادان
			مرد	زن
آفریقا (جز کشورهای عربی)	۱۹۸۶	۴۳۷ میلیون	۶۳/۴	۸۳/۷
آسیا (جز کشورهای عربی)	۱۹۸۶	۲۷۹۵ میلیون	۳۷	۵۷/۷
آمریکای لاتین و کارائیب	۱۹۸۶	۴۱۰ میلیون	۱۹/۹	۲۷/۳

منبع: سالنامه آماری ۱۹۸۸ یونسکو

جدول ۲ - جمعیت بیسواد پانزده سال و پانزده سال به بالا

کشور	سال سرشماری	درصد بیسوادان
غنا	۱۹۷۰	۶۹/۸
تانزانیا	۱۹۷۸	۵۳/۷
بنین	۱۹۷۹	۸۳/۵
موزامبیک	۱۹۸۰	۷۲/۸
سنگال	۱۹۷۴	۹۰
ساحل عاج	۱۹۷۴	۸۰
توگو	۱۹۷۴	۸۸
نیجریه	۱۹۸۰	۷۰
بورکینافاسو	۱۹۷۵	۹۱/۲

منبع: سالنامه آماری ۱۹۸۸ یونسکو

ارقام یخودی خود کاملاً روشن و گویا هستند. اما می‌بایست در آفریقا حضور داشت تا از این وضعیت احساسی واقعی بدست آورد. بیسواد را می‌توان در خیابانها، کارگاهها و در خانهها دید و لمس کرد. وضعیت بسیار دشواری است. بیسوادی «مالاریای ذهن» است و درست مانند مالاریا که در برابر تمام کوششهایی که برای ریشه کردن آن انجام می‌شود مقاومت کرده بیسوادی نیز در برابر ریشه‌کن شدن مقاومت کرده است. در واقع بیسوادی مانند مالاریا رو به افزایش است.

برای نمونه، پیش از سال ۱۹۶۰ نسبت بیسوادی بزرگسالان در غنا حدود ۵۰ درصد بود. در ۱۹۸۹ این نسبت به ۷۰ درصد تخمین زده شد. این نمونه مربوط به غنا در کلیه کشورهای صحرای سفلی بدون استثنا تکرار می‌شود. شباهت میان مالاریا و بیسوادی به قدری قابل توجه است که اساساً ضروری می‌دانم از مقاله‌ای با عنوان «بیماری بی‌توقف: کوششهای مقاوم آفت مالاریای آفریقا» مندرج در نیوزویک (ژانویه ۱۹۹۰) مطلبی نقل کنم:

مبارزه علیه مالاریا در آفریقا مانند طرح یک فیلم علمی داستانی به نظر می‌رسد. دانشمندان، در مواجهه با انگلهای تجربی که در جریان خون آدمی نفوذ می‌کردند، دارویی را برای مقابله یافتند. داروی جدید، کلروکوئین^۱ بیش از بیست سال بخوبی کار کرد. اما پس از آن پزشکان دریافتند بعضی از انگلها به گونه جدیدی تغییر یافته‌اند و در برابر دارو مقاومت می‌کنند و اکنون همان داستان غم‌انگیز، در آفریقای آشکار می‌شود که بیش از

یک میلیون نفر - اکثراً کودکان و زنان باردار- هر سال از مالاریا می‌میرند.

این توصیف دقیقاً منطبق با بیسوادی است و می‌توانیم عیناً نتیجه بگیریم که «و اکنون ... میلیونها کودک هر ساله از نظر روحی در آفریقا فلج می‌شوند». یونسکو تخمین می‌زند که هر سال در آفریقا ۲۰ تا ۲۵ میلیون کودک به خیل بیسوادان بزرگسال می‌پیوندند.

علل بیسوادی بزرگسالان در صحرای سفلی

بنابراین علل بیسوادی در صحرای سفلی آفریقا چیست؟ علل بیسوادی بزرگسالان متعدد است، اما من فقط به دو تا از عمده‌ترین آنها که عبارت است از علل اجتماعی - تاریخی و علل اقتصادی، اشاره خواهم کرد.

علل اجتماعی - تاریخی

نگرشی کوتاه به علل اجتماعی - تاریخی ممکن است به ساده‌نگری بیش از حد این موضوع بینجامد؛ اما تجربه و تحلیلی عمیقتر مشخص می‌کند که علل اجتماعی - تاریخی، علل بسیار قوی بیسوادی در صحرای سفلی هستند. بیسوادی در آفریقا پیش از ورود اروپاییها و اعراب مسئله عمده‌ای نبود. این بدان خاطر بود که کل جامعه «مدرسه‌ای» بزرگ بود. آموزش و پرورش از طریق اجتماعی کردن به پیش می‌رفت. آموزش و یادگیری عبارت بود از انتقال ارزشها، اصلاها، فرهنگ، تاریخ و مذهب از نسلی به نسل دیگر. این کار از طریق شفاهی، از طریق تمرین یا به صورت رفتاری انجام می‌شد. در جامعه آفریقایی متجانس، حرفه‌ای تخصصی چون آهنگری، کشیشی و تجارت اکثراً از پدران به فرزندانشان از طریق نظام شاگردی یا نظامی که به قول بعضی «دانش‌آموز بایستی در برابر استاد زانو به زمین بزند» منتقل می‌گردید.

در جامعه سنتی یا جامعه «ماقبل سواد»^{۱۰} افت تحصیلی مفهومی نداشت و بنابراین از «سواد» خبری نبود. در آنجا نهادهای کالبدی به نام کتابخانه، به آن معنایی که ما امروز می‌شناسیم، به چشم نمی‌خورد. جامعه مخزن اطلاعات و دانش، و خانواده‌ها ناقل و ناشر آن بودند. پیرمرد سپید موی، نشانه خرد، و بانک اطلاعاتی حافظه جامعه بود. در بعضی از جوامع خانواده‌های خاصی بودند که در حکم مورخان و قصه‌گویان شفاهی سنتی بودند. به عنوان مثال می‌توان از خانواده گریوت مندیگایی^{۱۱} و ولوف^{۱۲} از آفریقای غربی نام برد. هامپت با^{۱۳} می‌گوید: «هرگاه یکی از گریوتها می‌مرد یک کتابخانه ملی نیز با او به خاک سپرده می‌شد.» (۲)

ورود اروپاییها روش زندگی آفریقاییها را به طور چشمگیری دگرگون ساخت. این نخستین دلیل بیسوادی بود که امروز ما می‌شناسیم. این بدان خاطر است که سفیدپوستها روش زندگی و فرهنگ خود را به آفریقاییها تحمیل کردند. حال آفریقاییها برای درک فرهنگ جدید سفیدپوستها - روش زندگی، مذهب، عجایب علوم و تکنولوژی آنان و البته حکومت و زبانشان - باید «شعبده» نوشتن و خواندن را فرا می‌گرفتند. برای انجام این کار نظامی جدید از آموزش و پرورش، نظام مدارس رسمی توسط مبلغان مذهبی، تاجران و بعد توسط دولت استعماری بنیان نهاده شد. برای نمونه، نظام شفابخش سفیدپوستها مرکب از بدنمای پهناور از دانش بود و برای تسلط بر این دانش، رفتن به مدرسه الزامی می‌نمود. همین مطلب درباره کسب مهارت از نظام حکومتی، آموزش و کشاورزی سفیدپوستان صادق بود. فرد آفریقایی که مهارت و تسلط خواندن و نوشتن را از طریق نظام آموزش و پرورش بیگانه - چه رسمی و چه

10. Prelitrate

11. Griot of Mandika

12. Wolof of West Africa

13. Hampate Ba

غیر رسمی - کسب می‌کرد بعنوان فردی تحصیلکرده یا روشنفکر شناخته می‌شد. کسی که در کسب مهارت خواندن و نوشتن کوتاهی می‌کرد یک بیسواد بود. بنابراین پدیده بیسوادی در نخستین مرحله با ورود سفیدپوستها و بنیان نهادن نظام آموزشی و پرورشی بیگانه خود، دنبال می‌شود.

علل اقتصادی و سیاسی

علل اقتصادی و سیاسی، علل اساسی بیسوادی هستند. نظام آموزشی و پرورشی بیگانه، نظامی بسیار پر هزینه است. این نظام به ساختمانهای مدرسه، تربیت معلم، تهیه کتاب و نوشتافزار، حمل و نقل، خانه‌سازی، کتابخانه و بسیار چیزهای دیگر نیاز دارد. ملتهای صحرائی سفلی از نظر اقتصادی منابع مالی و انسانی کافی برای فراهم آوردن مدارس مناسب ندارند. در نتیجه هر ساله نظام مدرسه‌ای افرادی را به‌صورت افت تحصیلی برجای می‌گذارد که به بیسوادان بزرگسال می‌پیوندند. جدول آماری نمونه‌ای زیر این نکته را بخوبی توضیح می‌دهد.

شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جدول ۳: آموزش و پرورش در سطوح اول و دوم

کشور سطح آموزش ثبت نام در مدرسه سال میزان افت تحصیلی

۱۹۸۵ ۱۹۸۴

کشور	سال	ثبت نام در مدرسه	میزان افت تحصیلی
غنا	اولین	۱،۴۶۴،۶۲۴	۱،۴۱۰،۷۱۸
	دومین	۷۵۱،۱۹۲	۷۴۹،۹۸۰
کنگو	اولین	۴۵۸،۲۳۷	۴۷۵،۸۰۵
	دومین	۲۰۲،۹۰۸	۲۲۲،۶۳۳
توگو	اولین	۴۵۴،۲۰۹	۴۶۲،۸۵۸
	دومین	۹۰،۸۶۵	۹۷،۹۷۷
کنیا	اولین	۴،۳۸۰،۲۳۲	۴،۷۰۲،۴۱۴
	دومین	۵۳۳،۰۷۱	۴۵۷،۷۶۷

۳،۴۰۹،۰۱۵	۱۹۸۴	۳،۱۶۹،۷۵۹	۳،۴۹۴،۴۶۹	تانزانیا اولین
۳،۰۷۵،۳۶۵	۱۹۸۵	۹۴،۳۹۴	۸۴،۴۵۴	دومین

متبوع: سالنامه آماری ۱۹۸۸ یونسکو

میزان افت تحصیلی بین اولین سطح آموزش و پرورش بقدری گیج کننده است که ارقام مذکور ممکن است نامعقول به نظر برسند. با این وجود، متأسفانه این ارقام وضعیت واقعی آموزش و پرورش صحرای سفلی را به تصویر می‌کشند. در واقع ارقام مربوط به کودکانی که در سنین مدرسه رفتن هستند اما به مدرسه نمی‌روند یا اصلاً دسترسی به آموزش و پرورش ندارند می‌تواند حتی وحشتناکتر باشد.

دلیل این تصویر آموزش و پرورش خلع سلاح شده عمدتاً اقتصاد است. مجله نیواستیتزمن اند سوسایتی^{۱۴} در شماره ۲ از دوره ۴۹ (۱۲ می ۱۹۸۹) می‌نویسد: آفریقا از لحاظ اقتصادی ملتی رو به اضمحلال است. از ۱۹۸۰، بیست کشور آفریقایی اقتصادی را کد یا رو به زوال داشتند. محصول ناخالص سرانه داخلی صحرای سفلی در نیمه اول این دهه تا ۳/۶ درصد افت داشته و در ۱۹۸۷ تنها به ۵/۱ درصد رسیده است. مطابق گزارش بانک جهانی محصول ناخالص سرانه داخلی اکنون کمتر از آن است که در سال ۱۹۷۳ بوده است. بنابراین آفریقا نه فقط ۲۲ سال وقت را از کف داده، بلکه با عدم توسعه روبرو بوده است. گویی این بلای اقتصادی کافی نبود [که] صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به بهانه فراهم آوردن کمکهای مالی، حق حکومت مشترک خود را بر بیشتر نواحی صحرای سفلی آفریقا تحمیل کردند. در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ حجم منابع یابدهی خالص که از صحرای سفلی آفریقا به صندوق بین‌المللی پول سرازیر شد بالغ بر یک میلیارد دلار

آمریکایی بود.

تا سال ۱۹۸۹ جمع کل بدهی آفریقا حدود ۳۰۰ میلیارد دلار آمریکایی می‌شد. نتیجه آن که بعضی از این کشورها بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد از محصول ناخالص ملی خود را صرف بازپرداخت بدهیهای خارجی می‌کنند. در ۳۰ کشور آفریقایی که به اجرای برنامه‌های تجدید نظر اقتصادی صندوق بین‌المللی پول^{۱۵} تن دادماند، صندوق بین‌المللی پول آنان را واداشته تا تقریباً همهٔ سوبسیدهای مربوط به آموزش و پرورش را حذف کنند. علاوه بر بدهی کلانی که کشورهای آفریقایی باید بپردازند، قربانی بی‌عدالتی نظم اقتصاد جهانی نیز هستند. طبق گفتهٔ رئیس کشور غنا جی. جی. راولینگز^{۱۶} در خلال سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹ به خاطر افت قیمت‌های کالاها، آفریقا ۵۰ میلیارد دلار آمریکایی ضرر کرده است.

مثلاً او در مورد کاکائو می‌گوید که قیمت هر تن آن از ۳۰،۰۰۰ پوند انگلیس در سال ۱۹۷۷ درست به ۶۰۰۰ پوند انگلیس در سال ۱۹۸۹ سقوط کرد. (۳)

در حین اینکه قیمت‌های پرداختی برای صادرات آفریقایی بطور چشمگیری پایین می‌آید، قیمت‌های پرداختی برای کالاهای وارداتی از کشورهای صنعتی سریعاً افزایش می‌یابد و بدتر از همه، جمعیت آفریقا با نرخ وحشتناک ۳ درصد (بطور متوسط) به افزایش خود ادامه می‌دهد و این بطور معکوس بر روی رشد اقتصادی اثر گذاشته است. با این تصویر هولناک اقتصادی پیدا است که چرا گام‌های جدی و مداوم برای مهار مشکل بیسوادی در کشورهای صحرای سفلی برداشته نشده است. حقیقت آن است که دولت‌های آفریقایی ممکن است قصد ریشه‌کن کردن بیسوادی بزرگسالان را داشته باشند، لیکن آنها حتی سرمایهٔ کافی برای انجام این کار را در اختیار ندارند.

15. IMF Economic Readjustment Programmes (ERP)

16. J.J. Rawlings

با این مانع جدی اقتصادی بدیهی است که نمی‌توان بیسواد بزرگسالان را در آفریقا (حتی) تا سال ۲۰۰۰ ریشه‌کن کرد. در عین حال اساساً می‌توان با اتخاذ سیاست‌هایی روشن برای آموزش و پرورش بزرگسالان و مدیریت صحیح منابع اندک، این مشکل را تقلیل داد.

من با این گفته منصور احمد موافقم که «بهترین سهمی که یک کشور رو به رشد در همکاری جهانی برای سوادآموزی می‌تواند داشته باشد آن است که به روشنی اهداف خویش را مشخص نماید و راسخترین تلاش را برای رسیدن به این اهداف انجام دهد» (۴). نقشی که کتابخانه‌ها در کاهش میزان بیسواد بزرگسالان ایفا کرده‌اند یا می‌توانند بکنند موضوع بحث بعدی ماست.

نقش کتابخانه‌های عمومی

نظام سنتی کتابخانه عمومی در آفریقا قادر به رفع نیازهای مربوط به فراهم آوردن مواد خواندنی مناسب و کافی برای نوسوادان نبوده است. ۷۵ درصد از جمعیت آفریقا در نواحی روستایی زندگی می‌کنند و هنوز بیشتر کتابخانه‌های عمومی در نواحی شهری، چه در سطح ملی، منطقه‌ای چه در سطح مراکز ایالات مستقر هستند. جدول زیر توزیع جمعیت را در بعضی از کشورهای منتخب آفریقایی نشان می‌دهد.

جدول ۴: جمعیت بیسواد

کشور	سال سرشماری	جمعیت بیسواد	درصد جمعیت روستایی	
		قشر	از جمعیت شهری	
بنین	۱۹۷۹	مجموع	۶۷	
		شهری	۱,۴۱۸,۰۵۱	
		روستایی	۴۶۷,۴۶۳	
بورکینافاسو	۱۹۷۵	مجموع	۹۳/۴	
		شهری	۲,۸۰۳,۴۴۰	
		روستایی	۱۸۴,۰۱۹	
				۲,۶۱۹,۴۲۲

۸۲/۷	۹۲۷,۷۱۲	مجموع	۱۹۸۱	نوگو
	۱۶۰,۳۹۸	شهری		
	۷۶۷,۳۱۴	روستایی		
۹۱/۵	۵,۰۵۸,۹۸۶	مجموع	۱۹۷۸	تانزانی
	۴۲۶,۷۵۲	شهری		
	۴,۶۳۲,۲۳۴	روستایی		
۹۳/۵	۱۶,۱۳۷,۵۰۰	مجموع	۱۹۷۰	اتیوپی
	۱,۰۴۰,۰۰۰	شهری		
	۱۵,۰۹۷,۵۰۰	روستایی		

منبع: سالنامه آماری ۱۹۸۸ یونسکو

حتی به هنگام ارزیابی، نظام کتابخانه عمومی، به عنوان یک مزیت شهری، هیچ تأثیر مفیدی را بر روی جمعیت نگذاشته است. افراد بسیار کمی به مجموعه‌ها دسترسی دارند و در اکثر اوقات استفاده کنندگان از کتابخانه عمومی یا دانش‌آموزان ابتدایی و دبیرستان هستند یا دانش‌آموزانی که فعلاً باسوادند و می‌خواهند از کتابخانه عمومی برای ارتقای نتایج گواهینامه عمومی آموزش و پرورش خویش استفاده کنند یا کسانی که می‌خواهند به این شایستگیها دست یابند. حتی در مناطق شهری نوسوادان بسیار کمی از کتابخانه‌های عمومی استفاده می‌کنند. پس در نتیجه، اولاً کتابخانه‌های عمومی مواد خواندنی مناسب برای نوسوادان را ذخیره نمی‌کنند. ثانیاً، آنکه هیچ تلاش آگاهانه‌ای برای برقراری ارتباط میان نظام کتابخانه عمومی و مبارزه‌های مربوط به سوادآموزی انجام نمی‌گیرد.

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دولت قوام نکرومه، در کشور غنا، برای ارائه خدمات به دانش‌آموزان برنامه آموزش همگانی که طراحی شده و در دست اجرا بود، عماداً به توسعه کتابخانه‌های عمومی پرداخت. در این مدت

کتابخانه‌های عمومی سعی کردند دوردسترترین نقاط کشور را با استفاده از کتابخانه‌های سیار و خدمات جعبه کتاب زیر پوشش بگیرند. متأسفانه پس از سقوط رژیم نکرومه در سال ۱۹۶۶، این سیاست برجسته و توده‌پسند دیگر ادامه نیافت. خدمات کتابداری مشابهی در کشورهای دیگر چون تانزانیا، بوتسوانا، نیجریه شرقی و غربی انجام گرفت. اما این کتابخانه‌ها در اجرا بی‌روح بودند. بسیاری از آنها دیر یا زود به نقش سنتی خویش، یعنی ذخیره کردن کتابها و در انتظار خواننده ماندن، بازگشتند. در هر حال بیشتر کتابخانه‌های عمومی در کشورهای صحرای سفلی به طرز بی‌ضعیف اداره می‌شوند مواد خواندنی محدودی که دارند حتی برای جمعیت باسواد آنها کافی نیست. نوسادان، هر تعداد که باشند، اکثراً به حال خود رها می‌شوند. در نتیجه معمولاً بسیاری از آنها به بیسوادی باز می‌گردند. وضع اسفبار مجموعه کتابخانه‌های عمومی در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۵: کتابخانه‌های عمومی: مجموعه‌ها، امانت گیرندگان

کشور	سال	مجموعه	امانت گیرندگان	جمعیت	میزان کتابها
	سرشماری				برای هر نفر
چاد	۱۹۸۵	۴۰۰۰	۲۵۰	۱/۱۴ میلیون	۰/۰۰۰۷۷۸
کنگو	۱۹۸۴	۷۰۰۰۰	۱۳۵۵۰	۱/۷۹ میلیون	۰/۰۳۹
ساحل عاج	۱۹۸۱	۲۵۰۰۰	۲۱۲۰	۱۰/۶۰ میلیون	۰/۰۰۲۴۶
گنا	۱۹۸۳	۱۱۱۹۰۰۰	۵۴۵۱۴	۱۴/۰۴ میلیون	۰/۰۷۹۷
کینیا	۱۹۸۱	۵۱۱۰۰۰	۹۷۳۸۷	۲۱/۱۶ میلیون	۰/۰۲۴۱
نیجریه	۱۹۷۹	۴۸۱۰۰۰	۲۰۵۶۷۸	۹۸/۵۲ میلیون	۰/۰۰۴۸
تانزانیا	۱۹۸۳	۴۲۸۰۰۰	۱۱۴۴۱۵	۱۲/۴۶ میلیون	۰/۰۱۹

بدیهی است کتابخانه‌های عمومی در کشورهای صحرای سفلی بخاطر نارساییها و کمبود سرمایه‌های کمک‌چندانی به نوسودان برای بقای سواد آنان نکرده‌اند. یونسکو سال ۱۹۹۰ را سال جهانی سواد اعلام کرده و با انجام این کار می‌خواهد توجه دنیا را به بیسوادی معطوف سازد طوری که بتواند تا سال ۲۰۰۰ آن را محو سازد. چنین آرزویی برای آفریقا دست نیافتنی است. با این وصف، اگر دولت‌های آفریقایی با جدیت و آگاهانه مسئله را دنبال کنند، شدت این ضربه را می‌توان تا آن موقع کاهش داد. طی این دهه کتابخانه‌های عمومی می‌بایست در سیاستها و روشهای خود بازنگری کنند. آنها باید سیاست «مبلغان» را پیش‌گیرند که عبارت است از به دنبال خواننده رفتن، بجای منتظر آمدن او نشستن. آنها باید مجموعه‌های خود را تازه کرده و افزایش دهند طوری که بتوانند به خوبی در خدمت نوسودان باشند. دولت‌های آفریقایی باید آماده باشند تا بودجه بیشتری را به کتابخانه‌های عمومی اختصاص دهند تا آنها بتوانند برای مبارزه در راه ریشه‌کن کردن بیسوادی بطور مؤثری شرکت جویند؛ اما اگر کتابخانه‌های عمومی نتوانند نقش سنتی خود را رها کنند، اگر نتوانند مواد خواندنی خوب و مناسب برای نوسودان فراهم سازند آنگاه باید برای نوسودان، نظام کتابخانه‌ای دیگری تدارک دید.

مثلاً در کشور غنا که نظام کتابخانه‌های عمومی را کد مانده و قادر نبوده است با زمان جلو بیاورد، مؤسسات و سازمانهای متعددی کتابخانه‌های ویژه‌ای برای خود تشکیل داده‌اند، کتابخانه‌هایی که قاعدتاً بایستی زیر نظر هیأت امنای کتابخانه‌های کشور غنا باشند. بعنوان مثال کمیسیون ملی کودکان غنا^{۱۷} «مجموعه کتابخانه‌های در پارکها» را در سطح کشور بوجود آورده است.

دبیرخانه خدمات ملی^{۱۸} با درک کمبود کتابخانه‌های مناسب برای دانش‌آموزان مدرسه‌ای، مبادرت به تأسیس «کتابخانه‌های مدرسه‌ای محلی» در سطح کشور کرده است. به همین نحو گردانندگان مبارزه با بیسوادی نیازی ندارند که برای تأمین احتیاجات خود منتظر کتابخانه‌های سنتی بمانند. آنها می‌توانند با نادیده گرفتن آنها و تأسیس کتابخانه‌های باسوادان، ویژه بزرگسالان خود، به «سوادآموزان» و با سوادان خویش خدمت کنند.

پیشنهادهایی برای کتابخانه‌های عمومی

چنانچه دست اندرکاران و ترسیم‌کنندگان سیاست آموزش بزرگسالان مایل به بازگشت سوادآموزانشان به بیسوادی نباشند، باید فعالیتهای خود را با مواد خواندنی کافی و مناسب تقویت کنند. من دو پیشنهاد را می‌توانم ارائه دهم:

- ایجاد مؤسسات انتشاراتی برای تولید مواد خواندنی ارزان، فراوان و مناسبی که می‌تواند مجاناً به نوسوادان عرضه شود یا با قیمت‌های سوبسید یافته بسیار ارزان به آنان فروخته شود.
- تأسیس کتابخانه‌های سوادآموزان بزرگسال جهت کامل کردن کتابخانه‌های عمومی که اکنون رو به نابودی هستند.

مؤسسات انتشاراتی

یکی از دلایلی که مردم در آفریقا زیاد کتاب نمی‌خوانند، کمیابی و گران بودن آن است. قیمت متوسط یک رمان در غنا حدود هشت برابر دستمزد حداقل روزانه یک کارگر است. قیمت متوسط رمان ۱۵۱۰ سدی (معادل ۵ دلار آمریکایی) است. (هر ۳۰۵ سدی معادل یک دلار آمریکا)

است). حتی خواننده باسواد حریص، جرأت لمس چنین رمانی را ندارد. چنین رمانی صرفنظر از گران بودنش ماده خواندنی مناسبی نیز برای نوسودان نیست. مشکل اصلی که نوسودان در بیشتر کشورهای آفریقایی با آن دست بگریبانند، عدم دسترسی به مواد خواندنی مناسب و ارزان است. در آمریکا و اروپا مؤسسات انتشاراتی، کتابهای جیبی و مجلات یک بار مصرف ارزان و سهل الوصول تولید می‌کنند. در آفریقا کتاب شینی تجملی است، به حدی که در واقع حتی کتابخانه‌ها هم هیچ‌گاه نمی‌توانند آنها را تهیه کنند. در وهله اول بیشترین کتابهای موجود در کتابفروشیها وارداتی هستند و بنابراین بسیار گران هستند. در خود آفریقا تعداد بسیار کمی کتاب منتشر می‌شود. به آمارهای نمونه‌ای تولید کتاب در آفریقا نگاه کنید:

جدول ۶: عناوین کتب منتشر شده

کشور	کل کتب و از جمله کتب کودکان	کتابهای کودکان	تعداد (تیراژ)
سال	مجموع (عناوین)	سال	مجموع (عناوین)
اتیوپی	۱۹۸۵	۲۲۷	۱۹۸۵
گامبیا	۱۹۸۵	۷۲	۱۹۸۴
مالادی	۱۹۸۴	۱۳۴	۱۹۸۴
نیجریه	۱۹۸۵	۲۲۱۳	۱۹۸۵
تانزانیا	۱۹۸۴	۳۶۳	۱۹۸۶
زیمبابوه	۱۹۸۶	۳۵۳	۱۹۸۶

وضع آشفته صنعت نشر فقیر قاره آفریقا آنگاه به روشنی معلوم می‌شود که بدانیم کشورهای مذکور از بالاترین رقم عنوان نشر در بین کشورهای آفریقایی برخوردارند. کاملاً واضح است که خواندنیهای بسیار کمی، حتی در میان قشر تحصیلکرده راه پیدا می‌کند. پس این هدر دادن وحشتناک منابع

و زمان است که به فردی خواندن و نوشتن یاد دهیم ولی بعد نتوانیم چیزی برای خواندن و نوشتن در اختیار او بگذاریم. اگر دولتهای آفریقایی به دنبال بهره‌برداری از برنامه‌های سوادآموزی خود هستند، باید بطور جدی با این وضعیت شرم‌آور مقابله کنند. باید چاپخانه‌های مخصوص تأسیس شود تا با استفاده از کاغذ ارزان به تولید کتابچه‌های مقدماتی و روزنامه‌های جوامع روستایی، و در ابتدا به زبانهای محلی، برای نوسوادان پردازند. چون مؤسسات انتشاراتی و کتابفروشیها نمی‌توانند نوسوادان را با مواد خواندنی تغذیه کنند، نوسوادان باید برای رهایی از این وضع به کتابخانه‌های عمومی مراجعه کنند. این رهایی نه با کتابخانه‌های عمومی سنتی که با کتابخانه‌های سوادآموزان بزرگسال عملی خواهد بود.

کتابخانه‌های سوادآموزان بزرگسال

بحث در این مورد نیاز به دقت نظر زیادی دارد. برنامه‌ریزان کتابخانه‌های سوادآموزان بزرگسال از کاری که می‌خواهند انجام دهند باید بسیار آگاه باشند. اهداف و طبیعت چنین کتابخانه‌هایی باید بدقت تعریف شود. بدون انجام این کار، کتابخانه‌های سوادآموزان بزرگسال به سرنوشت کتابخانه‌های عمومی، بی‌پشتوانه، ایستا و بی‌ربط نسبت به نیازهای مراجعه‌کنندگان دچار خواهند شد. بنابراین کتابخانه‌های سوادآموزان بزرگسال باید بر مبنای این هدف بنا شود که نوسوادان براضی مواد خواندنی ارزان و مناسب را در اختیار داشته باشند. این کتابخانه‌ها باید «لوری اداره و تجهیز شوند که بتوانند نوسوادان را در جامعه تقویت کنند. دولتها باید از آنها به عنوان پایهای برای انجام سیاست «هر کسی یک کتاب» استفاده کنند. آنها باید عادت به مطالعه را برای اوقات فراغت و خودآموزی و در نهایت برای پیشرفت ملی رواج دهند. چنین کتابخانه‌هایی باید به صورت فراگیر ساخته شود. هر دهکده‌ای را باید به داشتن یکی از کتابخانه‌ها یا احداث آن تشویق کرد. این کتابخانه‌ها

رامی‌توان مثل بوتسونانا، اناق خواندن روستا، یا مثل تانزانیا کتابخانه‌های روستایی، یا مطابق پیشنهاد شرلی گیجی^{۱۹}، مراکز منابع اجتماعی، نامید.

نجریه تانزانیا (۵)

در تانزانیا کتابخانه‌های ساده روستایی به منظور فراهم آوردن انواع مختلف کتابهای مناسب برای نوسودان بزرگسال درست شده است. در حال حاضر در هر بخش از مناطق اصلی تانزانیا یک مرکز کتابخانه‌ای روستایی وجود دارد. در سال ۱۹۸۳ حدود ۳۱۶۷ کتابخانه روستایی در تانزانیا فعالیت داشت. به ازای هر کتابخانه تقریباً ۱۰۰۰ نوسواد وجود دارد. از هر کتابخانه روستایی انتظار می‌رود حداقل ۵۰۰ عنوان کتاب داشته باشد. بعضی از این کتابها از ناشران تجاری خریداری می‌شود ولی بقیه را وزارت آموزش و پرورش ملی از طریق کارگاههای نویسندگان خاص تهیه و تولید می‌کند. علاوه بر کتاب، روزنامه‌های «روستایی منطقه‌ای» خاصی برای کتابخانه‌ها تهیه و منتشر می‌شود.

سرپرستی کتابخانه‌ها بر عهده هماهنگ کنندگان آموزش بزرگسالان است که زیر نظر مدیریت آموزش بزرگسالان وزارت آموزش و پرورش ملی کار می‌کنند.

کارمندان کتابخانه متشکل از کتابداران روستایی هستند که «کتابداران پابره‌نه» نامیده می‌شوند.

این افراد از میان فارغ‌التحصیلانی جذب می‌شوند که طی دو هفته با فنون بنیانی کتابداری آشنا شده‌اند. کتابداران پابره‌نه عمدتاً بومی هستند و آموزششان طوری برنامه‌ریزی شده که احساس نمی‌کنند دارای شرایطی هستند که باید برای جستجوی «شغلی نان و آب دارتر» به مراکز شهری کوچ کنند.

این کتابخانه‌ها را سازمانهای بین‌المللی نظیر UNDP، سازمان سوئدی توسعه بین‌المللی (SIDA)، یونسکو و نیز وزارت آموزش و پرورش ملی تانزانیا، حمایت مالی می‌کنند.

تجربه بوتسوانا

مفهوم «اتاق خواندن روستایی» هنوز در مرحله رشد اولیه است. در سال ۱۹۸۶ بیست اتاق خواندن روستایی برپا شد. تمامی آنها در یک ناحیه استقرار یافتند. قرار است بیش از ده کتابخانه دیگر از این نوع، حداقل هر کدام در یکی از بخشهای باقیمانده تأسیس شود. این اتاقهای خواندن روستایی را بخش غیر رسمی آموزش و پرورش که مسئول برنامه‌های سوادآموزی می‌باشد، تأسیس کرده است. اتاقهای خواندن روستایی به عنوان جزئی از خدمات پس از سوادآموزی بوجود آمده‌اند. قرار است که اینها به ارتقای عادت به مطالعه و خدمت به عنوان مراکز فرهنگی و مخزنی برای ادبیات ست سوانا^{۲۰} (زبان محلی مردم بوتسوانا) پردازند. هم چنین بناست که آنها به عنوان مراکز اطلاعاتی و مکانهایی که ممکن است بحث و تبادل نظر در آنجا صورت بگیرد، دایر شوند.

اداره این مکانها بر عهده دستیاران اتاق خواندن است که از جامعه مورد خدمت جذب می‌شوند. همانند تانزانیا دستیار اتاق خواندن روستایی صرفاً فارغ‌التحصیل دبیرستانی است که دوره کوتاه سازماندهی اتاقهای خواندن را دیده است.

کای‌رسروکا^{۲۱} (۶) نسبت به این واقعیت که «نیاز به خدمات کتابداری در بوتسوانا به قصد سوادآموزی و در دسترس قرار دادن خدمات کتابخانه به اکثریت مردم مورد بحث قرار گرفته است، بدون اینکه نتیجه‌ی کاملی گرفته شود» اظهار تأسف می‌کند. او خاطر نشان می‌سازد که استفاده‌کنندگان اتاق خواندن عمدتاً محدود به دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی مدارس شده است و با مشاهده‌ی چنین وضعی، نتیجه می‌گیرد که «اتاق خواندن روستایی به صورت کنونی‌اش، به نظر می‌رسد که نسخه‌ی بدل کتابخانه‌ی عمومی در مراکز شهری و شاید در مقیاسی نازلتر از آن باشد». به هر حال او به طرح پیشنهادهایی می‌پردازد که به اتاق خواندن روستایی اجازه خواهد داد تا نقش شایسته‌ی خویش را ایفا کند. بعضی از این پیشنهادها عبارتند از:

- اتاق خواندن روستایی باید توسعه‌ی روستا را بر اساس درک نیازهای اطلاعاتی جامعه‌ی مورد خدمت در نظر بگیرد.

- پیوندهای زنجیرهای میان اتاقهای خواندن با فعالیتهای آموزشی موزه‌ها باید برقرار شود.

- اتاقهای خواندن روستایی باید به نیروی الکتریسته مجهز شوند تا امکان استفاده از خدمات اطلاعاتی که نیاز به وسایل دیداری - شنیداری و مجموعه‌های اطلاعاتی از منابع بومی در مورد کلیه حوزه‌های فعالیتی که جوامع روستایی با آن سر و کار دارند، میسر شود.

- اتاق خواندن روستایی باید دارای امکانات ضبط و پخش مجدد برنامه‌های رادیو - تلویزیونی مردم‌پسند جامعه در سطحی وسیع باشد.

- اتاق خواندن روستایی برای دسترسی داشتن به پوششهای اطلاعاتی مربوط به کشاورزی، بهداشت و رفاه اجتماعی باید یک رادیو در اختیار داشته باشد.

- بالاتر از همه، اتاق خواندن روستایی باید به عنوان یک مرکز اطلاعاتی و مکانی برای تبادل عقاید و بحث درباره مسائل مؤثر در زندگی افراد، و میان کارمندان دولتی و جامعه عمل کند.

مراکز منابع جامعه روستایی خانم شرلی گیجی (۷)

این مراکز با همان تصور اتاقهای خواندن روستایی بوتسوانا و کتابخانه‌های روستایی تانزانیا شکل می‌گیرند. شرلی گیجی مراکز منابع جامعه روستایی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

مکانی که اعضای یک جامعه می‌تواند اطلاعات مربوط به موضوعهای مورد علاقه خود را در آنجا بیابند؛ در فعالیتهای یادگیری شرکت جویند؛ در دانش، اطلاعات و امور مربوط به گسترش و کارمندان و طراحان و مدیران جوامع سهیم شوند و بحث و گفتگو کنند؛ برای کمک به بقای سواد و مهارت حساب خویش موادی را بیابند؛ جهت سازماندهی و کار گروهی، برای طرحهای جامعه جلساتی داشته باشند؛ جهت تولید مواد اطلاعاتی برای خودشان از امکانات استفاده کنند؛ و از فعالیتهای فرهنگی و اوقات فراغت خویش لذت ببرند.

او اعتقاد دارد که اغلب محیطهای روستایی در کشورهای روبه رشد از مواد خواندنی و اطلاعاتی محروم هستند. نتیجه آنکه نوسوادان هر گونه مهارتهای خواندنی را که کسب کرده‌اند از دست می‌دهند. او استدلال می‌کند که تنها راه برای جوامع روستایی برای فایز آمدن بر این مشکل، ایجاد مراکز منابع خاص خویش است.

حمایت مالی کتابخانه‌های یا سوادان بزرگسال برای تأسیس و توانایی انجام اهداف آنها بسیار مهم است. کتابخانه‌های عمومی در آفریقا، بخاطر نیاز جدی به پول، نسبتاً راكد مانده‌اند. پیداست که بدون خدمات حمایتی مانند رادیو، فیلم، روزنامه‌های جامعه روستایی، کتابهای دوره ابتدایی و کتابخانه‌های مناسب و سهل‌الوصول، برنامه‌های آموزش بزرگسالان به هیچ‌وجه قرین موفقیت نخواهد بود. بدون این خدمات جانبی بزودی نوسوادان به بیسوادی باز خواهند گشت. باید دانست که از تمام مؤسسه‌ها و خدمات تقویتی در آموزش بزرگسالان، کتابخانه جزء مهمترین آنهاست. این واقعیت انکار ناپذیر، مدتهای زیادی است که در آمریکا و اروپا شناخته شده و بنابراین بیشترین واحدهای آموزش بزرگسالانشان از خدمات کتابخانه‌های بهره‌مند می‌شوند.

تاکنون دست‌اندرکاران و ترسیم‌کنندگان سیاست آموزش بزرگسالان در بیشتر کشورهای آفریقایی بکلی از کتابخانه‌ها غافل بوده‌اند و آنها را خارج از طرح‌هایشان قرار داده‌اند. تمام تلاش و سهم عظیمی از پولی که برای برنامه‌های سواد آموزی خود صرف کرده‌اند، نتیجه چندانی نداشته و نخواهد داشت، مگر آنکه از طریق یک نظام کتابخانه‌ای روستایی که بخوبی مورد استقبال روستاییان باشد، مواد خواندنی مناسب را در دسترس نوسوادانشان قرار دهند. بسیاری از کشورهای آفریقایی نمی‌توانند هزینه تأسیس چنین کتابخانه‌هایی را تأمین کنند. در اینجا باید گفت که کمک‌های بین‌المللی، چه دولتی و چه غیر دولتی شدیداً مورد نیاز است. در حال حاضر سازمانهایی مثل (SIDA)، (UNDP)، یونسکو، شورای بین‌المللی آموزش بزرگسالان، موسسه آلمانی توسعه بین‌المللی (DSE)، سازمان کانادایی توسعه از راه آموزش بزرگسالان (CODE) و دیگران کمک می‌کنند. این مقاله مایل است از همه این کمک‌کنندگان بخواهد که کمک‌هایشان را برای تأسیس کتابخانه‌های

باسوادان بزرگسال روستا، جامعه یا دهکده گسترش دهند، زیرا برای موفقیت در برنامه‌های سوادآموزی این کتابخانه‌ها بمنزله ستون فقرات هستند. درخواست این مقاله کامل نخواهد شد مگر اینکه دامنه آن به ایفلا نیز گسترش یابد. برای مدت‌های طولانی ایفلا در حوزه آموزش بزرگسالان آفریقا چندان فعال نبوده و کار زیادی را برای کمک به کتابخانه‌های آفریقایی انجام نداده است. بنابراین سال جهانی سواد ۱۹۹۰ برای ایفلا فرصت مناسبی است تا کمک‌های خود را برای ایجاد کتابخانه‌های سوادآموزی بزرگسالان در کشورهای صحرای سفلی در آفریقا در جهت مبارزه با بیسوادی ارائه کند.

منابع

1. Bown, Lalage " Scope and Purpose of Adult Education in West Africa".
In Lalage Bown and S.H. Olu Tomon (eds). *A Handbook of Adult Education for West Africa*. London: Hutchinson and Co. 1979. PP 13-42.
2. Afrika. 30 (11-12): 34 (1989).
3. Ephson, Ben, "Rawling's Eye Red." *West Africa*, 15-21 January, 1990, P. 48.
4. One Billion Illiterates ... Report and Extracts from Papers of an International Seminar on Cooperating for Literacy. Berlin, October, 1983. p. 3.
5. Ibid. pp. 49-67.
6. Raseroka. H. Kay, "Libraries and Rural Development: Village Reading Rooms in Botswana": A Paper Presentee at IFLA General Conference and Council Meeting, Paris, 1989.
7. Giggey, Shirley, *Rural Community Resource Centres: A Guide for Developing Countries*. Basingstoke: Macmillan, 1988.